

# جست و جوی چهره رحمانی دین در جهان

گزارش

همایش بین المللی دین در دنیای معاصر



شرویشگاه اشاره: ساز و مطالعات فرهنگی

همایش بین المللی دین در دنیای  
معاصر که با حضور سید محمد  
خاتمی و به همت بنیاد گفت و گوی  
تمدن‌ها در ژنو و مرکز صلح و  
حقوق بشر اسلو و کلپ مادرید  
در تهران برگزار شد، به مدت  
دو روز از ۲۲ مهرماه در تهران  
گشایش یافت. آنچه در پی می آید  
سخنان سخنرانان این همایش  
است.

## خاتمی: رهایی ایمان لطیف دینی از چنگال

### جزم‌اندیشان متعصب

سیدمحمد خاتمی، رییس موسسه بین‌المللی گفت‌وگوی فرهنگ‌ها و تمدن‌ها، آغازگر این همایش دو روزه بود، چرا که وی خود میزبانی این همایش را نیز بر عهده داشت. لب سخن وی این بود: «دین و یقین روشن و ایمان لطیف دینی باید ابتدا خود را از چنگال جزم‌اندیشان متعصب و سنت‌پرستان ظاهربین و سوداگاران خشونت‌گرا و نابردبار برهاند و نگرانی انسان، به‌خصوص انسان آزاداندیش و اندیشه‌ور را از دین به خاطر کارکرد نادرستی که در دوران‌های گذشته داشته است رفع کند.»

به هر تقدیر، متن کامل اظهارات خاتمی، در سمینار دین در دنیای معاصر به شرح زیر است:

داوری در باب وضعیت دین در دنیای معاصر در گرو پاسخ به دو پرسش است:

۱. مراد از دنیای معاصر کدام است؟

۲. دین چیست؟

### مراد از دنیای معاصر

بگذارید بر این نکته توافق کنیم که دنیای معاصر عبارت است از دنیای متجدد که قرن‌هاست انسان غربی در آن به سر می‌برد و انسان غیر غربی نیز از آن متأثر است.

پاره‌ای بر این باورند که غرب از تجدد گذر کرده و به عالم پساتجدد وارد شده است، ولی واقعیت این است که پساتجدد با وجود وارد کردن نقدهای شالوده‌شکن بر مدرنیته، نتوانسته است دنیای دیگری را پدید آورد و درست این است که بگوییم دنیای معاصر همان دنیای متجدد است که نسبت به گذشته بی‌قرارتر و پایه‌های آن لرزان‌تر شده است.

در تقسیم‌بندی عوالم چنین گفته‌اند که عالم قدیم «کیهان‌مدار» و عالم سده‌های میانه «خدا مدار» و عالم جدید «انسان‌مدار» است. این تقسیم‌بندی با تاریخ و زندگی غرب مناسبت دارد و تعمیم آن به همه عالم و آدم درست نیست و در مورد تاریخ غرب هم این تقسیم‌بندی را می‌توان با تسامح پذیرفت.

آنچه در دنیای جدید برجستگی دارد توجه به انسان و عقل خودنیا او است که بی‌مدد هیچ امر ماورایی، تنها منبع شناخت و منشأ راه‌بردن و تدبیر زندگی به حساب می‌آید.

توجه به انسان موجب تحولات بزرگی در زندگی شده است. ولی با گذشت زمان، ما شاهد نوعی آشفتنگی فکری، عاطفی و اجتماعی در

هر دو سوی عالم (غرب و شرق) هستیم.

پیشوایان فکری و سیاسی دنیای جدید به خصوص در سده‌های ۱۸ و ۱۹ چنین می‌پنداشتند که آنچه رخ داده است نه غربی، که بشری و جهانی است و سیر زندگی بشر در نقطه کمال خود به غرب رسیده است و طوفان تکامل در ساحل امن غرب آرام گرفته است و از این پس همه جهان یا باید غربی شود یا از میان برخیزد. ولی امروز و در آغاز هزاره سوم میلادی و قرن‌ها پس از ظهور تجدید نه تنها آن غرور و خوش‌بینی در سایه تجربه بشری رنگ باخته است، بلکه جهان جدید را با تردیها و حتی تهدیدهای فراوان روبرو کرده است و در نتیجه از آن اعتماد به نفس و خوش‌بینی دیروز کمتر نشان می‌بینیم. حتی نظریه‌های شبه فلسفی چون «پایان تاریخ» پیش از آنکه مورد نفی و نقد جدی قرار گیرند با بی‌اعتنایی روبرو می‌شوند و هنوز طرح نشده، طراحان آن، پیشنهاد خود را پس می‌گیرند.

امروز بیش از هر زمان تذکر به این حقیقت پدید آمده است که وقتی «خدا» از عرصه ذهن و زندگی بشر دور شد، زندگی، امن و رضایت‌بخش نخواهد بود، ولو این‌که انسان به لحاظ مادی به دست‌آوردهای بزرگی برسد. این حقیقت که آدمی در اثر تجربه‌های بسیار پرهزینه و تلخ به آن رسیده است، در واقع مصداق این کلام خداوند است که: «من اعرض عن ذکری فإن له معیشتة ضنکاً؛ هر کس از یاد من دوری کند، زندگی سخت و تلخی خواهد داشت.»

چنین وضعی اگر ادامه یابد به نهیلیسم می‌انجامد یا نهیلیسم پدید آمده را بیشتر و شدیدتر می‌کند و در نتیجه بنیاد زندگی بشر در غرب و شرق عالم در طوفان ویرانگر نهیلیسم و پوچ‌نگاری فرو خواهد ریخت و همه آثار و مآثر تمدن جدید نیز از میان خواهد رفت.

مگر تبلور وحشتناک این نهیلیسم را در تنش‌آفرینی و جنگ‌های تجاوزکارانه و توسعه‌طلبانه‌ای که بعضی قدرت‌های بزرگ به راه می‌اندازند یا با سرانگشت خود آتش آن را



روشن نگه می‌دارند از یک‌سو و تروریسم کور خشونت‌بار و دلهره‌آوری که زندگی آدمی را در شرق و غرب عالم از سوی دیگر ناامن کرده است نمی‌بینیم؟

نهیلیسم همه چیز را به بازی می‌گیرد و می‌کوشد از همه چیز به صورت ابزار استفاده بد کند و در این راه از دست‌اندازی به ساخت دین و فلسفه و علم و هنر و حتی عنوان انسان و حقوق بشر ابا نمی‌کند.

به نظر ما در این زمان است که دین می‌تواند به کمک انسان بیاید، چنان‌که انسان روزگار ما نیز به این نکته لطیف تفتن یافته است و آثار بازگشت دین را به وضوح می‌بینیم.

### اما دین چیست؟

وقتی به دین از منظر متدینان به ادیان الهی می‌نگریم عبارت است از آنچه خداوند برای هدایت آدمی و معنا بخشیدن به زندگی او در این جهان و گشودن راه سعادت برین و جاودان فرو فرستاده است و جوهر و محتوای همه ادیان و حیانی یکی است و به تعبیر قرآن کریم شرط ایمان راستین عبارت است از باور به حقانیت همه پیامبران و یگانگی منشاء انگیزش آنان و هدف یگانه‌ای که داشته‌اند. اما در مرحله بازگشت به دین نمی‌توان از یک مشکل غفلت کرد و آن این‌که بشر به خصوص بشر غربی از دینی که در عرصه تاریخ و جوامع بشری تحقق یافته است دلخوش نیست و بیمناک از آن است که بازگشت دین زنده‌کننده تجربه تلخی باشد که به نام دین بر ذهن و زندگی او سایه افکنده است.

در این جا است که باید با روشن‌بینی بر این نکته تأکید کرد که وجهه تاریخی دین یعنی آنچه به نام دین در تاریخ تحقق یافته است بالضروره با حقیقت دین یکی نیست. و شاید یکی از علل برانگیخته شدن پیاپی و مکرر پیامبران برای تذکر به همین معنی و پیراستن حقیقت دین از آرایه‌هایی باشد که به علل مختلف اندام دین‌ها را پوشانده است.

هر چند که به باور ما، بشر به موقعیتی از آگاهی و توانایی و تشخیص رسیده است که بتواند حقیقت را در ورای آرایه‌ها و پیرایه‌های تاریخی دریابد و دیگر نیازی به آمدن پیامبر جدید نخواهد بود و اگر ظهوری در آخرالزمان هست، چنان‌که مسیحیت به ظهور مجدد

حضرت مسیح (ع) معتقد است و مسلمان نیز در انتظار ظهور حضرت مهدی (عج) است که همراه او مسیح نیز خواهد آمد، نه برای آرایه و بیان دین جدید، بلکه برای تحقق دین به گونه‌ای است که خداوند خواسته و در خور شأن والای آدمی است.

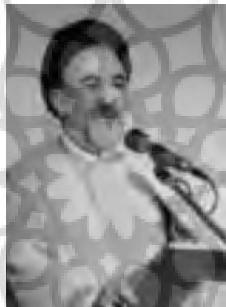
دین در این لحظه حساس و نفس‌گیر تاریخی می‌تواند به کمک انسان بیاید، بی‌آن‌که به دست آوردهای مثبت تمدن بشری آسیب برساند، بلکه آمدن و بازگشت آن یک ضرورت تاریخی است که آثار آن را نیز به وضوح در شرق و غرب عالم می‌نگریم.

منتها دین و یقین روشن و ایمان لطیف دینی نیز باید ابتدا خود را از چنگال جزم‌اندیشان متعصب و سنت‌پرستان ظاهرین و سودانگاران خشونت‌گرا و نابردبار برهاند و نگرانی انسان، به خصوص انسان آزاداندیش و اندیشه‌ور را از دین به خاطر کارکرد نادرستی که در دوران‌های گذشته داشته است مرتفع کند تا انسان دریابد که دین نیز

چون خود انسان مظلوم و مورد سوءاستفاده واقع شده است. بشر امروز از این‌که «امر قدسی» از صحنه جان و جهان او غایب یا منزوی است رنج می‌برد و به‌رغم برخورداری بخش‌هایی از جهان از مزایای پیشرفت مادی:

اولاً بخش بزرگ‌تری از جامعه بشری مورد تجاوز و دست به گریبان زندگی تلخ ناشی از جهل و فقر و ستم و تبعیض و اعمال معیارهای دوگانه و به تاراج رفتن منابع مادی و معنوی خویش است. ثانیاً بخش برخورداری نیز از زندگی راضی نیست و نگرانی او بیش‌تر از نگرانی پدرانش می‌باشد.

«امر قدسی» باید به متن ذهن و زندگی بشر برگردد، ولی از یاد نبریم که «قدسی‌زدایی» در جهان جدید، خود عکس‌العملی در برابر سوءاستفاده از امر قدسی برای قدسی کردن همه چیز و همه امور بوده است. حذف قدسیت از زندگی به همان میزان خسارت‌بار است که قدسی کردن افراطی همه امور از جمله اندیشه و برداشت دینی بشر محدود به انواع حدود ذهنی و تاریخی و اجتماعی. در این مرحله رسالت دین‌داران، بخصوص پیروان ادیان ابراهیمی بسیار سنگین است. توجه به جوهر یگانه دین، به‌خصوص با نگاهی که اسلام به دین‌های دیگر دارد، راه مطمئن تبدیل تنازع به تفاهم و تقابل به همزیستی است.



آنچه امروز فاجعه‌بار است غیبت یا کم‌رنگ بودن همان جوهر مشترک ادیان است، و الا مناسک که در جای خود محترم است نشانه تفاوت سطحی و ظاهری ادیان است که نباید مانع پیوستگی واقعی و دوستی میان پیروان ادیان مختلف گردد. پیروان ادیان به خصوص رهبران خیراندیش دینی باید با سعه صدر ابتدا شیوه تفاهم در میان خود را به جد بیازمایند و آنگاه همه جهان را به معنی‌دار کردن زندگی برای افراد و استقرار صلح و امنیت و همزیستی در عرصه اجتماع جهانی فراخوانند.

پس از خاتمی، این کوفی عنان بود که پشت تریبون قرار گرفت و در نفی تبعیض و خشونت سخن گفت. دبیر کل سابق سازمان ملل در این همایش از افراط‌گری در جهان گفت و خواستار زدودن این کج‌اندیشی‌ها شد.

جوانان را در این مسئله یادآور شد و گفت ما باید به آنها فرصت واقعی بدهیم تا نظام جهانی را ببینند.

دبیرکل سابق سازمان ملل در ادامه با تأکید بر لزوم برخورداری جهان معاصر از محاسن آزادی بیان به نقش رسانه‌ها در این زمینه اشاره کرد و گفت: رسانه‌ها باید بدانند کلماتی که آنها به کار می‌برند هم می‌تواند مروج صلح باشد و هم خشونت ایجاد کند؛ پس مهم است که بدانیم چه طور کلمات را به کار می‌بریم.

وی ادامه داد: آزادی بیان مسئولیت‌هایی به دنبال می‌آورد که باید با حساسیت این موارد را در نظر بگیریم تا باعث ارتباط بین جوامع شود.

### نخست‌وزیر سابق نروژ: آگاهی تنها راه مقابله با تبعیض

سخنران سوم روز نخست بان داندویک، نخست‌وزیر سابق نروژ، بود که بر این باور بود تا زمانی که دولت آزادی ایجاد می‌کند و افراد می‌توانند دین خودشان را داشته باشند ادیان هویت خود را از دست نمی‌دهند.

بان داندویک، نخست‌وزیر سابق نروژ و رییس بنیاد صلح و حقوق بشر این کشور گفت: ما دنیایی می‌خواهیم که ادیان کارکرد خوب داشته باشند، نه بد؛ و در جایی که درگیری و جنگ است، گفت‌وگو برای پیدا کردن راه‌حل‌های صلح‌آمیز مطرح شود.

وی با بیان این‌که اروپای سکولار شده در واقع استثنا است و این‌که بخواهیم این روش را که در اروپا گسترش یافته رسم و رسوم دنیا بدانیم، افزود: اروپا تا جایی که فکر می‌کنیم ادیان هنوز بعد حیاتی زندگی افراد است و شکل محتوای زندگی مردم جهان را تشکیل می‌دهد، کمتر سکولار است. کثرت‌گرایی می‌تواند به یک انتخاب دینی هم بیانجامد. کثرت‌گرایی و احترام برای ادیان گوناگون چالش‌هایی را ایجاد می‌کند مبنی بر این‌که با تفاوت‌ها در فرهنگ و قومیت و دین چگونه برخورد کنیم. ما باید یاد بگیریم به روشی برای برخورد با این تفاوت‌ها دست پیدا کنیم. حقوق بشر و آزادی دین قسمت اساسی این بحث است و اینکه چطور اکثریت‌ها با اقلیت‌ها رفتار می‌کنند.

وی گفت: حتی اگر فکر کنیم عده‌ای خدا باورند باید به نحوه زندگی

### کوفی عنان: زدودن تصاویر عامل تبعیض و خشونت

کوفی عنان مشکل جهان معاصر در بعد افراط‌گری‌هایی که با نام دین صورت می‌گیرد را نه مشکل ادیان بلکه مشکل معتقدان آنها و فهم نادرست‌شان از مفاهیم دانست.

عنان با ابراز خرسندی از حضور در تهران و شرکت در این سمینار و تشکر از بانبان این پروژه، با یادآوری طرح موضوع گفت‌وگوی تمدن‌ها در زمان دبیرکلی‌اش در سازمان ملل به میز هیات رییس این سمینار اشاره کرد و آن را به جهت حضور افراد دارای فرهنگ و تمدن‌های مختلف در آن حائز اهمیت خواند.

وی اضافه کرد: این میز می‌تواند مثال خوبی باشد از آنچه که ما در بحث گفت‌وگوی فرهنگ‌ها و تمدن‌ها خواهان اجرایی شدن آن هستیم.

دبیرکل سابق سازمان ملل در ادامه با اشاره به ویژگی‌های دنیای معاصر از بعد تنوع فرهنگی و دینی، نقش دین را در چنین جهان متنوعی نقشی اصلی خواند و اظهار داشت: نقش دین در از بین بردن نگرانی‌های جهان معاصر و ایجاد اعتماد بسیار مهم است و ما باید نسبت به آن اقدام کنیم.

وی که مشکل جهان معاصر را نه مشکل اعتقادات دینی بلکه مشکل شیوه رفتارها می‌دانست، گفت: تورات، قرآن یا انجیل نیستند که به افراد افراطی می‌گویند نسبت به اقدامات افراطی اقدام کنند یا به

سیاست‌مداران فرصت طلب می‌گویند برای این‌که رای بیاورند حرف‌های غیر دینی بزنند. مشکل، دین نیست، بلکه پیروان دینی است که باعث می‌شود صداهای افراطی از دین‌مداران و سیاستمداران شنیده شود.

وی در ادامه با تأکید بر لزوم پیشگام شدن مقامات و مسئولان دینی و سیاسی کشورهای مختلف در محکوم کردن خشونت‌هایی که جهان امروز از آن رنج می‌برد، اظهار داشت: ما مسئولیت داریم زیرا فضای فرهنگی و سیاسی جامعه را شکل می‌دهیم؛ لذا باید آماده باشیم تصاویر اشتباهی را که باعث تبعیض و خشونت می‌شود از بین ببریم. چرا که کشتارهای جمعی از کشتن یک فرد شروع می‌شود و ما باید حتی در برابر کشته شدن یک فرد نیز حساس باشیم.

عنان در ادامه با تأکید بر لزوم شناختن پل‌های ارتباطی، نقش



آنها احترام بگذاریم و با شکل مساوی با آنها رفتار کنیم. اکثریت مردم باید حقوق اقلیت‌ها را به لحاظ فرهنگی و دینی به رسمیت بشناسند. ما در نروژ حقوق اقلیت‌ها و نیز مسلمانان را به رسمیت شناخته و حتی حقوق اقتصادی را در اختیار آنها قرار داده‌ایم. در عین حال اقلیت‌ها نیز باید به اکثریت‌ها احترام بگذارند.

وی ادامه داد: آزادی دینی معنایش آزادی تغییر کردن است. ما انتظار داریم نیروهای مختلف تاثیر خود را بگذارند تا آزادی دین از این لحاظ رعایت شود. ادیان تا زمانی که دولت آزادی ایجاد می‌کند و افراد می‌توانند دین خودشان را داشته باشند، هویت خود را از دست نمی‌دهند.

رییس بنیاد صلح و حقوق بشر نروژ ادامه داد: ما چالش‌های زیادی پیش‌رو داریم از جمله کمبودها و فشار بر جوامع مسلمان که باعث شده عمیقاً درباره شیوه عملکرد و سیاست جهان مسلمانان با ناراحتی برخورد کنند. افرادی در جهان اسلام به سیاست غرب نگاه منفی دارند و بالعکس. عناصر و افرادی در هر دو طرف این کمبودها را افزایش داده و مبنایی برای خشونت شده است.

وی ادامه داد: من به عنوان یک مسیحی تجربیات مهمی را در

همکاری با مرکز گفت‌وگوی تمدن‌ها درباره جوامع اسلامی به دست آورده‌ام. این که چه طور با مسلمانان رفتار کنیم و درباره آنها بدانیم. در عین حال بسیاری از بحث‌ها در جریان است که گفت‌وگوهای داخلی ادیان در خود جوامع از این جمله است.

نخست‌وزیر سابق نروژ گفت: دانش و درک بهتر، شیوه احساس متقابل را تغییر می‌دهد. افزایش دانش و درک متقابل تنها راه مقابله با تبعیض‌هاست.

## نخست وزیر پیشین ایتالیا: باید ترس را از اقلیت‌ها بگیریم

سخنران بعدی رومانو پرودی، نخست وزیر پیشین ایتالیا، بود. وی با بیان این که در همه جای دنیا اقلیت‌های دینی از خشونت در هراسند در حالی که همه سعی دارند وضعیت به گونه‌ای دیگر باشد، گفت: باید در این باره شفاف‌تر و بهتر عمل کرد. واقعا باید مؤمن باشیم و به ارزش‌های مشترک میان ادیان مختلف اعتقاد عملی داشته باشیم و به تفاوت‌های که میان ما وجود دارد احترام بگذاریم.

وی معتقد بود برای رسیدن به چنین مسیری قدرت‌های دینی باید مورد توجه قرار گیرند، چرا که این قدرت‌ها در تغییر نقش فعلی سیاست و دین موثرند و باید ترس را از اقلیت‌ها بگیریم.

پرودی گفت: آیت‌الله‌ها، اسقف‌های اعظم و دیگر سران دینی باید

در این زمینه از توانایی‌های خود استفاده کنند. اگر نتوانیم از مناقشات دینی جلوگیری کنیم دیگر صلحی نخواهیم داشت؛ از این رو معتقدم باید نسل جوان را آموزش دهیم تا به تمامی ارزش‌های مختلف در ادیان گوناگون احترام بگذارند.

وی افزود: دین، اصلی اساسی در تمام ادیان است. نه فقط ما، بلکه در تمام دنیا می‌توانیم با توجه به نقش دین، به روندهای سیاسی کمک کنیم. در قرن گذشته و امروزه نبرد موجود در دنیا به خاطر نبود تفاهم و نداشتن درک سیاسی مشترک است. ما در مسیحیت باور دینی مان این است که دین می‌تواند در جامعه کمک کند تا به یکدیگر ببینیم. ارتباط بین سیاست و دین باید به گونه‌ای باشد که از روندهای خشن در دین جلوگیری شود و همچنین سیاست نگاه افراطی به دین نداشته باشد.

نماینده ویژه دبیرکل سازمان ملل در ائتلاف تمدن‌ها گفت: امروز به زعم بنیادگرایان نوعی بنیادگرایی شکل گرفته است که در آن خشونت دیده می‌شود؛ اما بنیادگرایی واقعی متشکل از ارزش‌هاست و نه به بردگی گرفتن جان انسان‌ها.

نخست وزیر پیشین ایتالیا با اشاره به مدت حضورش در کمیسیون اروپایی و تلاش‌هایی که برای نزدیک‌تر کردن دیدگاه‌ها میان ادیان مختلف صورت داده است، افزود: گروهی از مشاوران عالی را که از کشورهای مختلف بودند انتخاب کردیم تا بتوانیم به راه حلی برسیم مبنی بر این که دین ضد سیاست نیست و چگونه می‌توان این مسئله را در دنیای سیاست به ظهور رساند.

وی افزود: سکولاریسم در منطقه مدیترانه همیشه با مسائلی که شاهد آن هستیم مرتبط بوده است. سکولاریسم همیشه در کنار استعمار و سنت‌های استعماری رشد کرده است. امروزه در میان مسیحیان و به ویژه گرایش ارتدوکس که اصول-گرایی را در دستور کار دارند و درباره سکولاریسم نظرات تاریخی دارند حرکت‌هایی را می‌بینیم که مشابه آن چیزی است که به طور سنتی در دنیای اسلام وجود دارد. ما در اتحادیه اروپا جمعیت بزرگی از مسلمانان داریم و معتقدیم باید با آنان به دیالوگ و درک متقابل برسیم. نخست وزیر پیشین ایتالیا اظهار کرد: این یک واقعیت است که نمی‌توان بدون معنویت در دنیای آینده زندگی کرد البته تفاوت‌ها را درک می‌کنیم و به آن احترام می‌گذاریم، امیدواریم بتوانیم نه تنها در اروپا بلکه در منطقه مدیترانه و آفریقا این فعالیت‌ها را گسترش دهیم. هم‌چنین سعی داریم مسئله احترام گذاشتن به اختلاف‌های دینی را در نظام آموزشی بگنجانیم تا دانش‌آموزان درک صحیحی از بنیان‌های دینی داشته باشند.



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

نماینده ویژه دبیرکل سازمان ملل در ائتلاف تمدن‌ها، تصریح کرد: تمامی این پیشنهادها با تحلیل روابط میان دین و سیاست امکان‌پذیر می‌شود و واضح است که باید اقدامات فرهنگی و دینی خود را با درک صحیحی از رابطه سیاست با دین مرتبط کنیم.

## رییس جمهور سابق ایرلند: ارزش‌های معنوی راهی برای صلح

در ادامه مری رایبسون، رئیس جمهور اسبق ایرلند و کمیسر عالی کمیسریای حقوق بشر سازمان ملل با تأکید بر این که زمان آن فرا رسیده تا با هم بیشتر گفت‌وگو کنیم، گفت: باید با عزم راسخ عمل کنیم تا توسعه دموکراتیک را دامن بزنیم.

رایبسون با اشاره به وضعیت اقلیت‌ها در کشورهای مختلف جهان بر لزوم کنار گذاشتن تفاوت‌ها تأکید کرد و خواستار آن شد راهبردی اخلاقی در نظر گرفته شود و اضافه کرد: رهبران دینی باید نفرت و رفتارهایی که صلح را به هم می‌زند کنار بگذارند و توجه داشته باشند که در این مسیر مسایل دینی می‌تواند مورد سوءاستفاده قرار گیرد؛ لذا رهبران سیاسی و دینی جهان باید با علم به این مسئله عمل کنند.

وی با تأکید بر لزوم حرکت در مسیر مشترکات از آن به عنوان زبان مشترکی نام برد که می‌تواند سهم مؤثری در برپایی صلح و رفع اختلافات داشته باشد چرا که دنیای ما نیاز مبرم به صلح دارد هر چند آلوده به خرافه و افراطی‌گری است.

رایبسون در ادامه با اشاره به سابقه ۶۰ ساله تدوین منشور حقوق بشر سازمان ملل اجرایی کردن این منشور و رفع موانع تحقق آن را خواستار شد.



## رییس جمهور پیشین پرتغال: سکولاریسم مسئول جدایی دین از سیاست

جورج سم‌پایو - نماینده عالی سازمان ملل در ائتلاف تمدن‌ها - که در سال‌های ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۶ رییس جمهوری پرتغال بوده است، گفت: معتقدم سطوح بالای تمدنی و مدنیت و آموزش در میان مردم ایران موجب می‌شود تا جامعه‌ای زیبا و غنی در منطقه خاورمیانه به وجود آید.

وی با بیان این که مدنیت بنیان اصلی جوامع را نشان می‌دهد، گفت: اهمیت موفقیت یک جامعه را مدنیت آن جامعه تشکیل می‌دهد چرا که مدنیت بیان مؤثر و مهمی از مفاهیم بشری است که مصادیق آن در میان تمام مردم دنیا مشترک است و مهم‌ترین ثروت یک کشور به جز ثروت‌های طبیعی و میزان توسعه‌یافتگی‌اش، مردم آن کشور هستند.

رییس جمهوری پیشین پرتغال تصریح کرد: اگر تفاوت‌ها میان ملل مختلف به لحاظ کلی، و به ویژه دین، وجود نداشت، امروز اتحادی به نام ائتلاف تمدن‌ها شکل نمی‌گرفت. این اتحاد به دنبال نتایج است؛ نتایجی که بتواند زندگی مردم عادی را تغییر دهد.

او در ادامه با بیان این که «میهمان‌نوازی» یکی از مصادیق مشارکت‌های جمعی است، تصریح کرد: این مصداق راهی برای برابر کردن یک غریزه با میزبان است. میهمان‌نوازی نماینده جهان‌شمول بودن در دنیای چند فرهنگی است.

سم‌پایو گفت: تکنولوژی‌های جدید، توسعه‌یافتگی و جهانی شدن از مهم‌ترین مسائل امروز است، اما نقش مجدد دین در دنیا و حتی در نظام‌های سکولار به موضوع مهمی تبدیل شده است.

وی تأکید کرد: سکولاریسم مسئول جدایی دین از سیاست است. امروزه افراد در تمام ادیان از خدا صحبت می‌کنند و این انتظار که حرکت‌های دینی و سیاست‌های مبتنی بر دین تأثیراتشان کم شده و به طور واضحی اثبات شده، درست نیست.

رییس جمهوری پیشین پرتغال ادامه داد: باید سوءظن میان سکولاریسم و دین از بین برود و تلاش‌ها برای از بین بردن قطبی شدن سکولاریسم و دین نیز از بین برود.

سم‌پایو گفت: بالا بردن آگاهی رهبران سیاسی درباره اهمیت و ماهیت حرکت‌های فعال اجتماعی که با رویکرد دینی عمل می‌کنند، هم‌چنین هدایت رهبران دینی به سمت فرآیندهای سیاسی و نیز بررسی فرصت‌ها برای پیش‌گیری از نزاع و حل و میانجی‌گری مسائلی که میان رهبران سیاسی و دینی وجود دارد، سه چالشی است که باید به آن بپردازیم و ابتکار سازمان ملل در ایجاد محلی برای بحث و تبادل نظر دیدگاه‌های مختلف موقعیتی کلیدی است تا این بحث‌ها به صورت محلی و منطقه‌ای انجام شود.

وی هم‌چنین گفت: بعد از ۱۱ سپتامبر بسیاری از محققان غربی معتقد بودند تئوری جنگ تمدن‌ها دنیا را گرفته است و این الگو می‌تواند برای دنیا به کار گرفته شود و بین اسلام و غرب قطبیت ایجاد کردند؛ اما امروز به این نتیجه رسیده‌ایم که نپذیرفتن دیگران و افراط‌گرایی میان مسلمانان و غرب به یک الگو تبدیل نشده بلکه این مسئله نگرانی‌هایی ایجاد می‌کند که باید برای حل آن بیش‌تر گفت‌وگو شود.

او تأکید کرد: حقوق بشر اساسی مبتنی بر اعتقادات مشترک ماست و این سؤال که چگونه می‌توان با وجود تفاوت‌های فرهنگی و دینی در دنیایی که در حال جهانی شدن است زندگی کرد؟ این مسئله‌ای است که ما باید در این گفت‌وگوها و رفت و آمدها به راه حلی برای آن دست یابیم چرا که گسل‌های فرهنگی و دینی هر روز بیش‌تر از گذشته ما را از یکدیگر جدا می‌کند. ■